

سفته‌بازان گناهکار نیستند!!

● تیم‌هارفورد : مترجم: گلچهره پاکدل

تر اینکه اکثریت سفته‌بازان پیش‌بینی کرده بودند که قیمت گاز طبیعی کاهش بیابد و معاملات شان را هم در همین جهت انجام داده بودند، اما به هیچ وجه چنین نشد. با وجود ضعیف بودن ادله علمی علیه سفته‌بازان افراد اغلب درباره آنها احساسی قضاوت می‌کنند. به‌ویژه درباره کسانی که فروش استقراری انجام می‌دهند، چون فروش استقراری یعنی اینکه شما امیدوارید قیمت‌ها به شدت نزول کنند. زیاد دشوار نیست از عمل فردی که فروش استقراری می‌کند نتیجه بگیریم که او بوده که باعث پایین آمدن قیمت‌ها شده است. به قول فرد شوود، متخصص مشهور سرمایه‌گذاری: «تنها تعداد اندکی از مردم هستند که می‌پرسند چه بلایی دارد بر سر ما می‌آید؟ اکثریت تنها ذهن شان دنبال این است که چه کسی دارد این بلا را سر ما می‌آورد؟ و آن وقت تصمیم می‌گیرند که به شخصه مسببان آن را مجازات کنند.»

در برخی موارد نادر فروشندگان استقراری حقیقتاً باعث ایجاد مشکل می‌شوند. مثلاً می‌توان سهام یک بانک کوچک را به شکل استقراری فروخت و بعد درباره وضعیت مالی و نقدینگی این بانک شایعه‌پراکنی کرد، آن وقت این شایعات باعث لطمه دیدن اعتبار و قیمت سهام این بانک می‌شوند. به هر حال هیچ گاه نباید از این قابلیت برخی فروشندگان استقراری سهام غفلت ورزید.

این همان استثنایی است که در ابتدای این مطلب به آن اشاره کردم، اما نمی‌توان این واقعیت را هم نادیده گرفت که چنین ترفندی روی کاغذ ممکن است آسان به نظر برسد، اما در عمل اجرای آن به این سادگی‌ها هم نیست.

جهان به سفته‌بازان بیشتری احتیاج دارد، به‌ویژه فروشندگان استقراری. هیچ چیز ذاتاً جالبی درباره متورم بودن قیمت‌ها وجود ندارد، اما شرط بندی روی کاهش قیمت‌ها هم کار چندان آسانی نیست. در حباب دات‌کام‌ها، یا همین بحران اخیر بخش مسکن، فروشندگان استقراری می‌توانستند کمی ثبات و میانه روی در عرصه معاملات تزیق کنند. افسوس که به اندازه کافی از آنها نداشتیم؛ و البته اگر هم می‌داشتیم تا ترکیدن حباب قیمت‌ها آنها آن قدر پول از دست می‌دادند که این بار نه مردم بلکه خانواده‌هایشان شروع به لعن و نفرین آنها کنند. /

وقتی اوضاع اقتصاد خراب است، هیچ گروهی بیش از سفته‌بازان مورد سرزنش قرار نمی‌گیرند. اول، به ما می‌گویند سفته‌بازان قیمت نفت را بالا برده‌اند و باعث شده‌اند هزینه سوخت و حمل و نقل مان بالا برود. سپس می‌گویند آنها قیمت سهام بانک‌ها را پایین آورده‌اند و به این ترتیب ضربه مهلکی بر پیکر نحیف بانک‌های مظلوم وارد کرده‌اند. ما هم باید باور کنیم که همه این کارها در عین حال هم بسیار سودآور و هم مایه بی‌ثباتی است.

با یک استثنا — که به آن هم خواهیم پرداخت — من چنین چیزی را باور نمی‌کنم. من نمی‌فهمم چطور سفته‌بازی می‌تواند همزمان سودآور و بی‌ثبات‌کننده باشد. لازمه سفته‌بازی سودآور خرید در قیمت پایین و فروش در قیمت بالا است. سفته‌بازی بی‌ثبات‌کننده عکس این را می‌طلبد: فروش استقراری سهام در شرایط رکود که باعث تعمیق رکود می‌شود و آن وقت امیدواری به اینکه بتوان با معجزه‌ای از این وضع سود کسب کرد. به عبارت دیگر، سفته‌بازی بی‌ثبات‌کننده؛ یعنی خرید در قیمت بالا و فروش در قیمت پایین. اگر این راه کسب منفعت است، پس این وسط این منم که چیزی نمی‌فهمم.

سفته‌بازهای منفعت طلب، درست بر عکس، انسان‌هایی بشر دوست اند. وقتی انتظار داشته باشند که قیمت نفت بالا برود می‌خرند و ذخیره می‌کنند، یا آنکه با خرید اوراق آتی نفت دیگران را تشویق به خرید و ذخیره نفت می‌کنند. این کار باعث می‌شود قیمت نفت در شرایطی که خیلی پایین است بالا برود، یا اگر قیمت‌ها خیلی بالا هستند کمی پایین بیایند. درست است، وقتی سفته‌بازان اشتباه کنند عمل آنها باعث بی‌ثباتی می‌شود، اما حداقل درباره نفت دشوار است که بگوییم سفته‌بازان اصولاً نقش چندان تأثیرگذاری در این بازار بازی می‌کنند. اول از همه اینکه، موجودی‌ها به نظر پیوسته رو به کاهش اند؛ اگر آمار موجودی‌ها درست باشد نشان می‌دهد که مصرف‌کنندگان تمام آن نفت‌های ۱۴۵ دلاری را هم سوزانده‌اند.

دوم اینکه، سفته‌بازی و قیمت‌ها به نظر نمی‌رسد که آن قدرها هم پیوند مستحکمی با یکدیگر داشته باشند. آمارهای تازه نشان می‌دهند با وجودی که تعداد کمی از سفته‌بازان انتظار کاهش قیمت نفت را داشته‌اند، قیمت‌ها به سرعت نزول کرده‌اند. از این حیرت آور

